

## رابطه اخلاق حرفه‌ای پلیس با تکرار اعمال مجرمانه اطفال و نوجوانان بزهکار

نوذر امین صارمی<sup>۱</sup>، پژمان قویمی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۵/۷

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۲۵

از صفحه ۱۶۳ تا ۱۸۴

### چکیده

پلیس نقش اساسی در فرایند پیشگیری و مقابله با بزهکاری کودکان و نوجوانان دارد. هدف اصلی تحقیق بررسی رابطه بین اخلاق حرفه‌ای پلیس و تکرار اعمال مجرمانه اطفال و نوجوانان بزهکار می‌باشد. این تحقیق از نظر هدف کاربردی از لحاظ روش و ماهیت توصیفی و به صورت پیمایشی و شبه آزمایشی انجام می‌گیرد. برای گردآوری اطلاعات از ابزارهای پرسشنامه و مصاحبه بهره برداری شده است. جامعه آماری تحقیق، کلیه اطفال و نوجوانان بزهکاری است که توسط پلیس فرماندهی انتظامی استان همدان دستگیر شده و در کانون اصلاح و تربیت همدان نگهداری می‌شوند که مجموع کل آنها ۴۷۱ نفر می‌باشد. روش نمونه‌گیری نیز با توجه به استراتژی تحقیق به صورت انتصاب تصادفی در دو گروه ۴۰ نفره آزمایش و گواه صورت پذیرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش‌های آمار استنباطی مانند آزمون دو نمونه ای T، رگرسیون و تحلیل مسیر انجام پذیرفت. یافته‌ها نشان داد که «ویژگی‌های فردی» بترتیب، بیشترین و «استانداردهای رفتاری» کمترین تاثیر را بر متغیر وابسته یعنی «تکرار اعمال مجرمانه» داشته است.

**واژه‌های کلیدی:** اخلاق، اخلاق حرفه‌ای، رفتار حرفه‌ای، ارزش‌های حرفه‌ای، هنجارهای

شغلی، استانداردهای شغلی

۱. دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی امین. [narimansaremi@gmail.com](mailto:narimansaremi@gmail.com)

۲. کارشناسی ارشد فرماندهی و مدیریت انتظامی.

## بیان مسئله

استاندارد سازی رفتار کارکنان یک سازمان در واقع همان نهادینه کردن رفتار سازمانی در قبال رفتار حرفه‌ای آن شغل است. هر حرفه‌ای رفتار، الزامات، تعهدات و قوانین مربوط به خود را دارد که برگرفته از اساسنامه آن حرفه است. رعایت همین مسئله باعث افزایش کارایی و پیشرفت فنی و سبب تعالی و ترقی معنوی کارکنان آن حرفه می‌شود بنابراین حرفه‌هایی مختلف بر حسب میزان حساسیت و وظیفه‌ای که در خدمت به جامعه دارند دارای معیارهای اخلاقی، متفاوتی هستند، معیارهای اخلاقی، ارزش‌ها و صلاحیت‌هایی را مشخص می‌کنند که اعضای یک سازمان را به هم پیوند می‌دهد. در واقع معیارهای اخلاقی چارچوبی را برای ارزشها، اصول، مسئولیت‌ها و حقوق سازمان‌های دولتی ارائه می‌دهد. به عبارت دیگر معیارهای اخلاقی همچون نقشه‌های راهنمایی هستند که به اعضای یک سازمان کمک می‌کنند تا نقش‌های خود را به روشنی و وضوح کاملی ایفا نمایند. این موضوع در سازمان پلیس نیز صدق نموده و رعایت اخلاق حرفه‌ای باعث بهبود روابط اجتماعی و افزایش رضایتمندی می‌گردد.

اخلاق حرفه‌ای<sup>۱</sup> در چند دهه اخیر مورد توجه سازمان‌های انتظامی قرار گرفته و مجموعه قواعدی است که تعهدات و مسئولیت‌های مربوطه به رفتارهای شغلی پلیس را که همه کارکنان، موظف به انجام آن هستند، با توجه به منافع قانونی ذی نفعان بیان می‌کنند. پس یک نظام اخلاقی حرفه‌ای درباره عملی ساختن ارزشهای اخلاقی مربوط به آن حرفه بحث می‌کند. حاکمیت اخلاق حرفه‌ای منافع زیادی برای سازمان از بعد داخلی از جنبه‌های بهبود روابط، افزایش جوتفاهم و کاهش تعارضات، افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری بیشتر کارکنان و کاهش هزینه‌های ناشی از کنترل دارد.

از سوی دیگر کودکان و نوجوانان از آسیب‌پذیرترین گروه‌های سنی جامعه هستند. و به دلیل شرایط خاصی که از لحاظ جسمی و فکری دارند در معرض بیشترین خطرات و آسیب‌ها قرار دارند. دنیای کودکان با دنیای بزرگسالان تفاوت بسیار زیادی دارد و بنابراین از محیط و زندگی اطراف خود نیز درک متفاوتی نسبت به بزرگسالان دارند. آنها در مواجهه با جریانات و مسائلی که در مقابل چشمانشان اتفاق می‌افتد بسیار حساس و کنجکاو هستند اما به دلیل همان شرایط خاص فکری، قادر به درک آنها نیستند. اساساً بزهکاری اطفال و نوجوانان ریشه در عواملی دارد که اجتماع و جامعه به آنها وارد می‌نماید؛ اطفال و نوجوانان بزهکار، قربانیان

۱. professional ethics



خانواده و اجتماع نابسامان هستند. این بزهکاران کوچک، آنچه را می‌گیرند که دیگران به آنها تقدیم کرده‌اند و به بیان دیگر آنچه را آموخته‌اند که دیگران به آنها آموزش داده‌اند.

کودکان و نوجوانان بزهکار در فرایند انجام اعمال بزهکارانه خود بیشترین برخورد را با پلیس و دستگاه‌های قضایی دارند. البته پلیس نقش اساسی در فرایند پیشگیری و مقابله با بزهکاری کودکان و نوجوانان دارد. و بایستی با الگوی مناسب و شیوه‌های رفتاری و قضایی خاص با این طبقه از بزهکاران برخورد نماید. نوع و شیوه اخلاق و رفتار پلیس در اصلاح این طبقه از بزهکاران تأثیرگذار بوده و چگونگی اعمال آن از حساسیت و ظرافت خاصی برخوردار است. در همین راستا سوال اصلی تحقیق این است که آیا بین اخلاق حرفه‌ای پلیس و تکرار اعمال مجرمانه اطفال و نوجوانان بزهکار رابطه‌ای وجود دارد؟ سوالات فرعی نیز بشرح زیر است:

۱. رابطه هنجارهای شغلی توسط پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان بزهکار و تکرار اعمال مجرمانه آنان چیست؟
۲. رابطه رعایت ارزشهای اخلاقی توسط پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان بزهکار و تکرار اعمال مجرمانه آنان چیست؟
۳. رابطه رعایت استانداردهای رفتاری بین المللی توسط پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان بزهکار و تکرار اعمال مجرمانه آنان چیست؟
۴. بین شناخت پلیس از ویژگی‌های کودکان و نوجوانان بزهکار با تکرار اعمال مجرمانه آنان چه رابطه‌ای وجود دارد؟

## اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق عبارت است از: بررسی رابطه اخلاق حرفه‌ای پلیس با تکرار اعمال مجرمانه اطفال و نوجوانان بزهکار و اهداف فرعی نیز عبارتست از:

۱. شناخت اخلاق حرفه‌ای پلیس در برخورد با اطفال و نوجوانان بزهکار
۲. بررسی تاثیر اخلاق حرفه‌ای پلیس در تکرار اعمال مجرمانه اطفال و نوجوانان بزهکار
۳. کمک به استانداردسازی رفتاری مناسب پلیس با کودکان و نوجوانان بزهکار

## پیشینه تجربی

✓ حسنی و همکاران (۱۳۹۳) با موضوع تبیین نقش اخلاق حرفه‌ای بر تعهد سازمانی کارکنان،

✓ اشرف عبدی، دانشگاه آزاد، تهران (۱۳۹۱) با موضوع بررسی رفتار پلیس بر جلب اعتماد جوانان پسر دبیرستانی شرق تهران

✓ بررسی نقش پلیس در پیشگیری از بزهکاری نوجوانان (۱۸-۱۵) سال در شهر تبریز  
 ✓ سرگرد محمود رضا صادقی، دانشکده فرماندهی و ستاد ناجا (۱۳۹۴) پایان نامه  
 کارشناسی ارشد با موضوع بررسی رابطه اخلاق حرفه‌ای کارکنان انتظامی با  
 ارتقای منزلت اجتماعی پلیس  
 ✓ نیوبورن و همکاران (۱۹۹۹) با موضوع رابطه اخلاق حرفه‌ای پلیس با پیشگیری  
 از تخلف و اجحاف به مردم  
 ✓ آلبرت و گرین (۲۰۰۷) با موضوع بررسی رابطه نگرش به پلیس با رعایت  
 اخلاق حرفه‌ای آنان

## ادبیات تحقیق

### اخلاق حرفه‌ای

هر حرفه‌ای، اخلاق، رفتار و تعهدات مربوط به خود را دارد که برگرفته از اساسنامه آن حرفه است. حرفه‌های مختلف بر حسب میزان حساسیت و وظیفه‌ای که در خدمت به جامعه دارند دارای معیارهای اخلاقی متفاوت می‌باشند، معیارهای اخلاقی اصول مشترک خصوصیت ارزش‌ها و صلاحیت‌هایی را مشخص می‌کنند که اعضای یک سازمان را به هم پیوند می‌دهد. اخلاق نمایان کننده شخصیت فرد است و این اخلاق حرفه‌ای است که شخص را به شکل مطلوب، چه در جامعه و چه در بین همکارانش مطرح می‌کند، در چارچوب این اخلاق حرفه‌ای است که نقش‌پذیری افراد در جامعه شکل می‌گیرد، انسان‌ها به هم معطوف می‌شوند، ارتباط اجتماعی بین اشخاص گسترش می‌یابد. و یکی از هنجارها و رفتارهای درونی اخلاقی بین کارمندان و مدیران بوجود می‌آید، همچنین اخلاق حرفه‌ای در انجام فعالیت‌ها و امور اداری و غیراداری که مربوط به ارباب رجوع می‌شود نقش مهمی را ایفا می‌کند، اخلاق حرفه‌ای در واقع به نوبه خود موجب تحریک بسیاری از محرک‌ها و رفع بسیاری از نابهنجاری‌ها می‌شود (کوهن، ۲۰۱۱، ۱۱).

اخلاق حرفه‌ای شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که به مباحث اخلاقی در حرفه می‌پردازد. صاحبان حرفه از دانش اخلاق دو توقع دارند: بیان نظام مند مسئولیت‌های اخلاقی در حرفه و تشخیص دقیق و حل اثر بخش مسائل اخلاق حرفه‌ای. در اخلاق حرفه‌ای دو رهیافت سنتی و جدید وجود دارد. رهیافت سنتی، روی آورد مدیریت منابع انسانی به اخلاق حرفه‌ای است که بر مسئولیت‌های اخلاقی افراد در مشاغل و حرف دور توجه می‌کند و رهیافت جدید که در دهه‌های اخیر رواج یافته است، رویکرد مدیریت استراتژیک به اخلاق حرفه‌ای است. دومین رهیافت به مسئولیت

پذیری سازمان با نگرشی سیستمی توجه می‌شود (قراملکی، ۱۳۷۸، ۱۷۴).

در تعریف اخلاق حرفه‌ای یا اخلاق کسب و کار عده‌ای آن را شیوه‌های رفتاری متداول در میان اهل یک حرفه دانسته‌اند (صدری افشار، ۱۳۷۳: ۶۷) با توجه به این تعریف هر حرفه و شغلی اخلاق حرفه‌ای خاص خود را دارد که متفاوت از حرفه‌های دیگر است مثلاً در حرفه پزشکی اخلاق حرفه‌ای را چنین آورده‌اند علمی است که موضوع آن بررسی مجموع آداب و شیوه‌های رفتاری و پسندیده ایست که صاحبان مشاغل گروه پزشکی می‌باید رعایت کنند و مجموع صفات و اعمال نکوهیده ایست که لازم است از آن‌ها اجتناب نمایند (اصفهانی، ۱۳۷۲: ۸). در تعریف دیگری از اخلاق حرفه‌ای آمده، یک شغل و حرفه معین قانونی است که به وسیله آن افعال را منظم می‌کند و استانداردهایی برای افرادش قرار می‌دهد (دانشنامه علوم اجتماعی، ۱۹۹۸، ۳۴۵) بر طبق این تعریف در مشاغل و حرف مختلف با تعیین و تدوین آیین‌نامه‌های اخلاقی و محدوده مسائل اخلاقی هر حرفه را با توجه به منافع و مقررات حاکم بر حرفه مورد نظر راه را برای پیشبرد اهداف تعیین شده در آن حرفه هموارتر نماید (عاملی، ۱۱۷: ۱۳۸۰) همچنین اخلاق حرفه‌ای رارشته‌ای از علم اخلاق دانسته‌اند که روابط شغلی را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. (شعاری نژاد، ۱۳۶۴: ۵۴) با توجه به این تعاریف می‌توانیم اخلاق حرفه‌ای را در نوع روابط سازمان‌ها و اجتماع و هم چنین نحوه برخورد و عملکرد افراد سازمانی در برابر محیط اجتماعی و فرهنگی و غیره تاثیر گذار بدانیم (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۱۷)

## ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای

اخلاق ورزی نسبت به افراد، اصناف و محیط‌های اجتماعی مسائل مختلفی ایجاد می‌کند به گونه‌ای که نمی‌توان انتظار داشت اخلاق واحدی در مورد همه انسان‌ها وجود داشته باشد و با یک روش با همه آنان عمل نمود و همچنین اخلاق همواره در قالب و چارچوب مسائل اجتماعی نظیر خانواده، طبقه و حرفه و غیره مقید است (صادقی، ۱۳۷۱: ۶۴) یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای به عنوان یک دانش تعیین بایدها و نبایدهای اخلاقی می‌باشد که مارا به کسب پاره‌ای از فضائل و ارزش‌ها و اجتناب از رذائل رهنمون می‌سازد در مفهوم جدید علم اخلاق تکالیفی را مطرح می‌نماید که به نحوه ارتباط فرد با خودش، دیگران، خدا و طبیعت نظر دارد. در علم اخلاق به معنای جدید ابتدا به یکی از ارتباطات رفتاری به نام علم اخلاق حرفه‌ای پرداخته می‌شود. در اخلاق حرفه‌ای به صورت اجتماعی در گستره حرفه‌های مختلف و روابط افراد در حرف با یکدیگر، سازمان و جامعه بحث می‌کند. اخلاق حرفه‌ای به منزله یک دانش اصول کلی رفتار ارتباطی در

سازمان را به صورت نظام مند و منظم مطرح می کند و به دلیل شبکه ای بودن ارتباطات رفتاری در سطح جامعه این علم بر رفتار فردی، خانوادگی و اجتماعی و غیره تاثیرگذار است و در صورت اجرای کدهای اخلاقی در حرفه های مختلف شاهد پیامدهای مثبت و کارساز فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و غیره خواهیم بود که موجب رشد و تکامل یک جامعه در جنبه های فوق می گردد.

### وظایف حرفه ای پلیس در مواجهه با اطفال و نوجوانان بزهکار

مامورین نیروی انتظامی اولین نمایندگان جامعه در برخورد با کودکان بزهکار معارض قانون هستند بنابراین شیوه برخورد و تماس آنان با کودکان از ابعاد مختلف روحی، شخصیتی و قضائی بسیار تعیین کننده و با اهمیت تلقی می گردد. اغماض بیش از حد یا سخت گیری و خشونت، اثر فوری و آنی بر روحیه کودک می گذارد (نجفی توانا، ۱۳۸۲: ۱۴۸). هنگامی که وظایف پلیس را در نظر بگیریم، یکی از کارها مهم او که مربوط به جوانان است تنها بخش کوچکی از کارهای وسیع و پیچیده پلیس را تشکیل می دهد، از اعمال و گفتار کسانی که با جوانان سروکار دارند، چنین برمی آید که پلیس، وظیفه و مسئولیتی به جز کنترل جوانان ندارد. با وجود این، اهمیت پلیس در مسئله بزهکاری اغراق آمیز نیست زیرا آنها نخستین کسانی هستند که با نوجوانان یا جوانانی که قانون را زیر پا گذاشته اند، تماس پیدا می کنند. پلیس یا افسران پلیس ویژه کودکان، افرادی هستند که تصمیم بر آزادی نوجوانان گرفته یا اینکه آنها را به دادگاه نوجوانان یا مراجع دیگر هدایت می کنند (کوراکیوس، ۱۳۶۷: ۱۰).

در برخورد با پدیده بزهکاری کودکان، پلیس نقش مهم و بسیار حساسی دارد و لذا قانون گذاران توجه ویژه ای برای وظایف پلیس در برخورد با کودکان و نوجوانان بزهکار قائل شده اند که مأمورین انتظامی که مسئول حفظ نظم و آرامش در اجتماع، کشف جرم، دستگیری بزهکاران و پیشگیری از وقوع جرائم می باشند غالباً قبل از مقامات قضایی از وقوع جرم و یا بروز حالت خطرناک، مطلع شده تحقیقات مقدماتی را به عمل می آورند. نظر به اینکه اطفال و نوجوانان دارای طبعی حساس و زودرنج بوده و عواقب وخیم اعمال خود را درک نمی کنند برخورد اولیه مقامات انتظامی تأثیر عمیقی در روحیه آنان باقی می گذارد. هرگاه مأمورین انتظامی با آنان مؤدبانه رفتار نموده و با خونسردی، اقدام اشتباه آنان را گوشزد و لزوم رعایت قوانین و مقررات اجتماعی را یادآور شوند اطفال و جوانان از عمل خویش اظهار ندامت خواهند نمود. خشونت و تحقیر حس انتقام جویی و سرکشی را تقویت، آنان را نسبت به اجتماع بدبین خواهد کرد (دانش، ۱۳۸۷: ۷۰).

ماده ۲ و ۱۱ مقررات پکن در خصوص قضا‌زدایی مقرر می‌دارد: در نیروی انتظامی، دادستانی یا سایر نهادهای رسیدگی به پرونده‌های نوجوانان دارای اختیار خواهند بود تا در مورد اینگونه پرونده‌ها بنا به صلاحدید خود بدون ارجاع به رسیدگی‌های رسمی، طبق ضوابطی که کاربرای این منظور در نظام قضایی مربوطه مقرر گردیده و هم چنین مطابق اصول مطرح در مقررات حاضر، تصمیم‌گیری نماید.»

مهمترین تحول چند دهه اخیر، گسترش معیارهای مختلف برای مجرمان نوجوان و جوان به ویژه در قالب اخطار و هشدارهای پلیس بوده است. البته مدت مدیدی بود که نیروهای پلیس، به ضرورت این امر واقف بودند که از ارجاع کودک به دادگاه برای رسیدگی به بزه و جرم جز اتلاف وقت نبوده و اخطار و هشدار دادن به کودک به صورت غیررسمی با اطلاع دادن وضعیت کودک به خانواده که به عنوان حل و فصل غیررسمی بوده، راهی مناسب است (عباچی، ۱۳۸۰: ۱۲۴).

### نظریه‌های اخلاق حرفه‌ای

از نظر ایمانوئل کانت برای عمل اخلاقی نباید رفتار را به وسیله روابط عاطفی یا احساسی همانند همدردی، رحم، شفقت، و جستجوی لذت تبیین کرد، بلکه چنین توصیه می‌شود که باید به وسیله تکلیف و پیروی از قانون اخلاقی که در ضمیر انسان نهفته است انجام گیرد. (ژکس، ۱۳۵۵: ۱۰۱) در واقع کانت جز ادای تکلیف هر نوع انگیزه اخلاقی را طرد و رد می‌کند، البته افعال خیر خواهانه به اشکال مختلف مورد قباحت واقع نمی‌گردد ولی بر طبق اندیشه‌های اخلاقی کانت، ارزش اخلاقی به افعالی تعلق می‌گیرد که به سبب تکلیف و وظیفه انجام می‌گیرد این وظیفه و تکلیف از نظر کانت امری «مطلق» بوده و مشروط به هیچ قیدی نیست. بنابر این از نظر کانت افعالی، اخلاقی و پسندیده هستند که انسان از روی اراده و اختیار و برای ادای تکلیف و وظیفه انجام دهد پس از توضیح و تبیین مکتب تکلیف‌شناسی در صدد یافتن معیار و ملاک‌هایی در این مکتب اخلاقی هستیم این مکتب پیرامون واژه «تکلیف» یا «وظیفه» یا «تعهد» می‌گردد. در واقع برای آگاهی بیشتر از این معیار به معنا و مفهوم تکلیف و وظیفه می‌پردازیم. (هس، ۱۳۷۷: ۱۳۵)

از نظر الکساندر، تقویت نیروی اخلاقی به ویژه به کارگیری آن در ارتباطات کارمندان نسبت به یکدیگر، موجب موفقیت خواهد شد. او معتقد است که برای تقویت نیروی اخلاقی باید ابزارهای ضروری را مد نظر داشت. و تأکید او به سه نکته قصد و نیت‌ها، توانایی و ثبات اخلاق بود. الکساندر ادعا می‌کند که تقویت نیروی اخلاقی نتیجه‌ای از فرآیند فرهنگی است که به صورت اجتماعی ساخته می‌شود به صورت یک چهارچوب اجتماعی در داخل سازمان‌ها شکل می‌گیرد.

از نظر او، ادراک وضعیت اجتماعی و اخلاقی به بهتر شدن نیروی اخلاق حرفه‌ای کمک می‌کند و کارمندان با بینش بهتری نسبت به فرهنگ اخلاق سازمانی و حرفه‌ای می‌توانند عملکرد دقیق‌تری در کار داشته باشند. از نظر او راهکارهای مناسبی برای تقویت نیروی اخلاقی وجود دارد که از جمله آموزش دقیق و درست، ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و نهادینه کردن ارزش‌ها و باورهای اخلاقی، ادامه دادن به شیوه‌های اخلاقی مناسب از دست ندادن اعتماد به نفس و خودباوری و هم‌چنین حس رفاقت و صمیمیت با کارمندان و همکاران راحت گرفتن برخی از مسائل را می‌توان برشمرد (الکساندر، ۵۲۸، ۲۰۰۴)

کوهن نیز بیان می‌دارد که اخلاق نمایان‌کننده شخصیت افراد است و این اخلاق حرفه‌ای است که شخص را به شکل مطلوب چه در جامعه و چه در بین همکارانش مطرح می‌کند در چارچوب این اخلاق حرفه‌ای است که نقش‌پذیری افراد در جامعه شکل می‌گیرد. انسان‌ها به هم معطوف‌تر می‌شوند. ارتباط اجتماعی بین اشخاص گسترش می‌یابد و پیگیری از هنجارها و رفتارهای درونی اخلاقی بین کارمندان و مدیران به وجود می‌آید. هم‌چنین اخلاق حرفه‌ای در انجام فعالیت‌ها و امور اداری و غیر اداری که مربوط به ارباب رجوع می‌شود، نقش مهمی را ایفا می‌کند. اخلاق حرفه‌ای در واقع به نوبه خود موجب تحریک بسیاری از محرک‌ها و رفع بسیاری از ناهنجاری‌ها می‌شود.

در زمینه برنامه‌های آموزش و توسعه اخلاق در سازمان‌ها و ادارات کالبرگ تحقیقات بسیاری انجام داده است با بررسی تحقیقات وی می‌توان دریافت که توسعه اخلاقی و برنامه آموزش اخلاق، افراد را توانمند می‌سازد تا در تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌ها خوب و درست عمل کنند. «کالبرگ» معتقد است که پیشروی به سوی توسعه اخلاقی موجب تعامل و شناخت بهتر افراد نسبت به یکدیگر می‌شود. براساس دیدگاه وی اخلاق فقط در یک ساختار اجتماعی مطرح نیست و حیطه‌های وسیعی را ربر می‌گیرد. او معتقد است تجارب شخص نقش بسیار زیادی در تکامل افراد ایفا می‌نماید. از طریق تبادل این تجربه است که فرد فرصتی برای درک دیدگاه‌های سایرین بدست آورده و جهت‌گیری اخلاقی را به سمت درون‌گرایی کامل سوق می‌دهد (زینیک و اسکوکور، ۲۰۰۷، ۵۱۷)

در این زمینه گاروفالووگوراس نیز بیان میدارند که نقش اصول اخلاقی در ایجاد سازمان‌های رسمی بلادرنگ اثبات می‌شود البته اگرچه وی این اصول را صرفاً ابزاری برای اثربخشی نمی‌داند. وی معتقد است اصول اخلاقی به خودی خود خوب است حتی اگر ثابت شود سازمان‌های اخلاقی کارآمدتر از سازمان‌های اخلاقی نیستند و ما



شک داریم که چنین چیزی اثبات شود. بازهم سازمان‌های اخلاقی، فی‌نفسه بهتر هستند. اگرچه از کلیه تلاش‌ها برای مرتبط ساختن اخلاقیات با اثربخشی و کارایی استقبال می‌شود، اما تطابق آنها در ابعاد خلاقانه ناشی از ارزش ذاتی خود اصول اخلاقی است. (گاروفالو و گوراس، ۲۰۰۲، ۲۲)

## چارچوب نظری

نظریه‌های متعددی که مطرح شد هر کدام عمدتاً به بخشی از واقعیت اخلاق حرفه‌ای می‌پردازد، ولی در مجموع از براینده همه آنها می‌توان نگرش جامعی به اخلاق حرفه‌ای پلیس در برخورد با اطفال و نوجوانان داشت. در این زمینه نظریه‌های «پنیو» و «اورتمایر» تا حدی از قوت بیشتری برای تبیین این موضوع برخوردار است که در تحقیق حاضر به عنوان چارچوب نظری از آن استفاده می‌شود. «پنیو» اعتقاد دارد که اخلاق ضمن مطالعه ارتباط شغل‌ها، به بیان مسئولیت‌های اخلاقی سازمان، تشخیص و حل مسائل اخلاقی در حرفه‌های گوناگون می‌پردازد. او وظایف مدیران را در اخلاقی کردن سازمان این‌گونه برمی‌شمارد:

الف) ارزشیابی عملکردهای اخلاقی کارکنان؛

ب) اخلاقی کردن هدف‌های سازمان؛

ج) اشاعه ارزش‌ها و مسائل اخلاقی در سازمان؛

د) اخلاق‌ورزی در زندگی شخصی؛

ذ) اهمیت دادن به اخلاق حرفه‌ای در شغل؛

و) برخورد عقلانی و روشمند در مواجهه با مشکلات اخلاقی سازمان و اقدام برای برطرف کردن آنها؛

ه) عنایت خاص به آموزش اخلاق حرفه‌ای

ی) تدوین منشور اخلاقی مربوط به سازمان با مشارکت همه اعضای سازمان (پنیو، قبلی، ۵۴۲)

از نظر او در حوزه اخلاق حرفه‌ای نیز، لااقل در مقام تبیین و تحلیل معضلات اخلاقی سازمان، از عوامل فردی، سازمانی و محیطی نباید غفلت کرد. غفلت از این عوامل در تحلیل و تبیین علل معضل اخلاقی، ما را دچار تحویلی‌نگری و غیر واقع‌گرایی می‌کند که نتیجه‌ای جز ناکامی در پی نخواهد داشت. پنیو عوامل تأثیرگذار بر اخلاق حرفه‌ای را به سه جنبه تقسیم می‌کند:

۱. **جنبه فردی:** یعنی ویژگی‌ها و خصوصیات فردی، خانوادگی، ارزش‌های مذهبی، ملاک‌های شخصی، باورها و اعتقادات و شخصیت از جمله عوامل تأثیرگذار بر اخلاق حرفه‌ای از جنبه فردی هستند. مسلماً فردی که فاقد صلاحیت‌های

اخلاقی شایسته از لحاظ فردی باشد، از معیارهای اخلاق حرفه‌ای متناسبی نیز برخوردار نخواهد بود.

**۲. جنبه سازمانی:** عواملی مثل رهبری، مدیریت، ارتباط با همکاران، ارتباط با زیردستان و فرادستان، نظام تشویق و تنبیه، انتظارات همکاران، قوانین و مقررات و رویه‌ها، جو و فرهنگ سازمانی در این حیطه قرار می‌گیرند. بدیهی است که نامطلوب بودن عوامل مزبور، عامل تهدیدکننده اخلاق حرفه‌ای خواهد بود و بالعکس.

**۳. جنبه محیطی:** عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و همچنین دیگر سازمان‌ها و عوامل رقابتی بین آنها، از جمله عوامل تأثیرگذار بر اخلاق حرفه‌ای است.

افزون بر این، کمبود امکانات و ابزار کار، نامناسب بودن ابزار، فضای نامناسب کاری، حجم کاری مازاد بر توان کارمند، محیط شلوغ اداره و رخنه‌های قانونی بر معضلات اخلاقی دامن می‌زنند؛ بی‌ثباتی اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی، دردهای مزمن فرهنگی - تاریخی مانند استبدادزدگی که به شدت با فرهنگ مشارکتی و کار تیمی ناسازگار است، آموزش‌های نادرست اجتماعی مانند مسئولیت‌گریزی و تبلی در کار را نوعی زرنگی تلقی کردن، وضعیت نابرابر رقابت جهانی که تهدیدکننده اخلاق کسب و کار است. و دیگر عوامل این چنینی، بی‌گمان در وضعیت اخلاقی سازمان تأثیرگذار است. (پنینو، قبلی، ۱۲۳)

اورتمایر معتقد است توانایی برقراری ارتباط موثر در نظر اول ممکن است موضوع ساده‌ای به نظر آید که اغلب افراد خود را در آن توانمند ارزیابی کنند اما نتایج تحقیقی در خصوص ارزیابی برقراری ارتباط اثر بخش توسط افراد با یکدیگر نشان داد که از هر سه نفر که ادعا می‌کردند می‌توانند ارتباط خوبی برقرار نمایند به ندرت یکی از آنها می‌توانست از عهده این کار برآید حتی تعداد کمی از این افراد توانستند از خودشان مهارت‌های پیچیده امور مشورتی و مربیگری را نشان دهند نتایج مطالعات دیگری نشان داد که کارشناسان امور پلیسی بر سر این نکته که امروزه مهارت‌های ارتباطی اثر بخش برای موفقیت پلیس در اجرای قانون امری حیاتی قلمداد می‌شود تمایل دارند توافق کنند (حیدریان، ۸۸: ۲۵۰ به نقل از اورتمایر، ۲۰۰۱)

از نظر اورتمایر برقراری ارتباط اثر بخش با اطفال و نوجوانان بزهکار از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که باعث می‌شود هر شخصی در این زمینه توانمند نباشد زیرا دنیای کودکان دنیایی منحصر به فرد است که با دنیای بزرگسالان تفاوت‌های

بسیار زیادی دارد یک پلیس توانمند برای انجام بهتر وظایف شغلی خویش باید شناخت و آگاهی مناسبی از خصوصیات و ویژگی های روان شناختی این طیف سنی داشته باشد تا بتواند ارتباط صحیح و موثری با کلیه اطفال و نوجوانان و به ویژه کودکان در تماس با قانون (کودکان معارض با قانون، شاهد، قربانی جرمو در معرض خطر) داشته باشد این کسب مهارت و دانش از چند جنبه حائز اهمیت است که می توان به موارد زیر اشاره نمود:

✓- پلیسی که با دنیای کودکان و نوجوانان آشنایی داشته و مهارت های برقراری ارتباط خوب و موثر را کسب نموده است در تحقیقات و مصاحبه های خود در عین آرامش و بدون توسل به خشونت اطلاعات خوب و مفیدی را کسب خواهد نمود .

✓- برقراری یک ارتباط خوب با کودکان و نوجوانان سبب می شود تا پلیس در جهت پیشگیری از جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان که یکی از رسالت های اساسی و بنیادی او می باشد اقدام ها به موقع و موثری را به انجام رساند .

✓- مهارت های ارتباط خوب و موثر با کودکان موجب می شود تا پلیس با توجه به شرایط و وضعیت از راهکارهای و رفتارهای جایگزین دستگیری، بازداشت و توسل به دادرسی رسمی استفاده نموده و از برچسب زنی مجرمانه به کودکان جلوگیری نماید(همان: ۲۵۱)

در مجموع اورتمایر معتقد است رعایت اخلاق حرفه ای و برقراری یک ارتباط خوب با کودکان و نوجوانان سبب می شود تا پلیس در جهت پیشگیری از جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان که یکی از رسالت های اساسی و بنیادی او می باشد اقدام ها به موقع و موثری را به انجام رساند. از نظر وی مهارت های ارتباط موثر با کودکان موجب می شود تا پلیس با توجه به شرایط و وضعیت از راهکارهای و رفتارهای جایگزین دستگیری، بازداشت و توسل به دادرسی رسمی استفاده نموده و از برچسب زنی مجرمانه به کودکان جلوگیری نماید. ( حیدریان، ۸۸: ۲۵۰ به نقل از اورتمایر، ۲۰۰۱) از نظر این دو اخلاق حرفه ای مبتنی بر ارزش ها و هنجارهای شغلی است که استناداردی رفتاری را مشخص می سازد و می توان از آن به اخلاق حرفه ای یاد کرد.

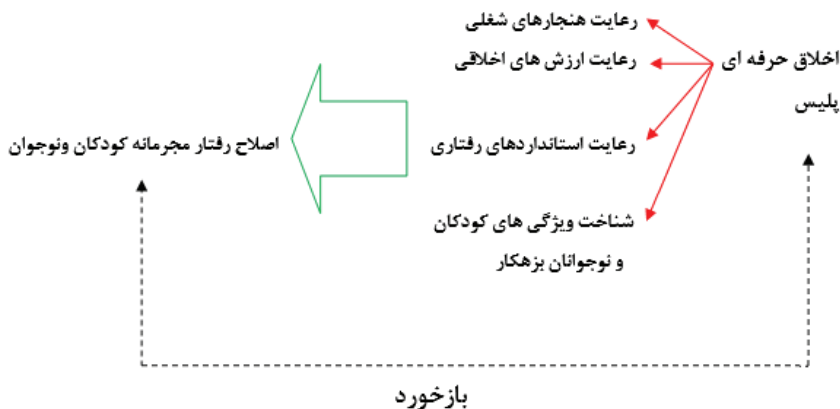
### فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی تحقیق این است: بین اخلاق حرفه ای پلیس باتکرار اعمال مجرمانه اطفال و نوجوانان بزهکار رابطه ای وجود دارد.

## فرضیه های فرعی

۱. بین رعایت هنجارهای شغلی توسط پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان بزهکار و تکرار اعمال مجرمانه آنان رابطه ای وجود دارد.
۲. بین رعایت ارزشهای اخلاقی توسط پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان بزهکار و تکرار اعمال مجرمانه آنان رابطه ای وجود دارد.
۳. بین رعایت استانداردهای رفتاری بین المللی توسط پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان بزهکار و تکرار اعمال مجرمانه آنان رابطه ای وجود دارد.
۴. بین شناخت پلیس از ویژگی های کودکان و نوجوانان بزهکار با تکرار اعمال مجرمانه آنان رابطه وجود دارد.

## مدل تحقیق



## روش تحقیق

این تحقیق از نظر هدف کاربردی از لحاظ روش و ماهیت توصیفی و به صورت پیمایشی و شبه آزمایشی انجام می شود که با تکنیک پرسشنامه و مصاحبه به گردآوری اطلاعات مبادرت شده است. جامعه آماری کلیه اطفال و نوجوانان بزهکاری است که توسط پلیس فرماندهی انتظامی استان همدان دستگیر و در کانون اصلاح و تربیت شهرستان همدان نگهداری می شوند که مجموع کل آنها ۴۷۱ نفر می باشد که در دو گروه مورد بررسی و مقایسه قرار می گیرند. گروه اول شامل دستگیر شدگان سابقه دار که به کرات توسط پلیس دستگیر شده اند و گروه دوم شامل افرادی که یکبار توسط پلیس دستگیر شده اند. در این تحقیق حجم نمونه



آماري با رعايت حدود علمي پژوهش ۸۰ نفر از کودکان و نوجوانان بزهکار است که در دو گروه به عنوان نمونه در نظر گرفته ایم.

ابزارهای اصلی گردآوری اطلاعات این پژوهش پرسشنامه بوده لیکن از آنجایی که پاسخگویان عمدتاً قادر به درک مفاهیم سوالات نبودند جهت افزایش دقت در پاسخ سوالات شخصاً با پاسخگویان مصاحبه مستقیم انجام گرفته و پرسشنامه توسط محقق تکمیل شده است. در مورد روایی اندازه گیری از نظر اساتید بهره گرفته شد که خاصیت تکرار پذیری و سنجش نتایج آن مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پس از انجام یک پیش آزمون یک چهارم از پرسشنامه‌های موجود انجام اعتبار بر اساس محاسبات صورت گرفته مقدار این آماره برای پژوهش حاضر برابر با ۰/۸۳ است که بیانگر اعتبار پرسشنامه است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با روش‌های آمار استنباطی و آزمون دو نمونه‌ای T با استفاده از نرم افزار spss انجام پذیرفت.

## یافته‌ها

### الف- تحلیل جمعیت شناختی

رده سنی ۸۰ نفری که در این تحقیق مشارکت داشته‌اند بین ۹ سال تا ۱۷ سال بوده‌اند. از این تعداد، ۱،۲ درصد، ۹ سال، ۱،۲ درصد ۱۲ ساله، ۱،۲ درصد ۱۳ ساله، ۴ درصد ۱۴ ساله، ۱۴ درصد ۱۵ سال، ۲۲ درصد ۱۶ سال ۳۸ درصد ۱۷ سال را دارا بوده‌اند. همچنین، ۹۷،۵ درصد از آن‌ها پسر و ۲،۵ درصد دختر بوده‌اند. همچنین که اکثر افراد مورد مطالعه که ۸۳،۸ درصد را شامل می‌شوند متولد روستا و تنها ۱۶،۲ درصد متولد شهر همدان یا سایر شهرها می‌باشند.

با توجه به داده‌های تحقیق، بیشترین فراوانی (۳۳ درصد) مربوط به افراد با تحصیلات سیکل و و کمترین فراوانی (۳ درصد)، مربوط به افراد بی‌سواد است. همچنین ۵۰،۶ درصد از افراد سابقه مجرمیت نداشته و ۴۹،۴ درصد از افراد سابقه قبلی دارند. از بین افرادی که در این پژوهش مشارکت داشته‌اند، ۵۱،۹ درصد از افراد سیگار مصرف نمی‌کردند و بقیه حجم نمونه مصرف کننده سیگار هستند. از بین افرادی که در این پژوهش مشارکت داشته‌اند، ۸۷،۷ درصد از افراد سابقه اعتیاد ندارند و بقیه حجم نمونه، دارای سابقه اعتیاد هستند.

### ب- آزمون فرضیات تحقیق

**فرضیه اول)** بین رعایت هنجارهای شغلی پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان بزهکار و تکرار اعمال مجرمانه آنان رابطه وجود دارد.

همانگونه که در جدول زیر مشاهده میشود. مقدار آماره  $r = -0/201$  و  $P = 0/047$  شده است. چون سطح احتمال برابر با  $0/05 > P$  است، در نتیجه بین رعایت هنجارهای شغلی و تکرار اعمال مجرمانه رابطه منفی وجود دارد. به نحوی که با رعایت هنجارهای شغلی، احتمال تکرار اعمال مجرمانه کاهش می یابد.

جدول شماره ۱ نتایج آزمون فرضیه اول

آماره	تکرار اعمال مجرمانه	متغیر وابسته	متغیر مستقل
		رعایت هنجارهای شغلی	
ضریب همبستگی	-۰,۲۰۱		
سطح احتمال	۰,۰۴۷		
تعداد	۸۰		

**فرضیه دوم** بین رعایت ارزش های اخلاقی توسط پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان بزهکار و تکرار اعمال مجرمانه آنان رابطه معنی دار وجود دارد. همانگونه که در جدول زیر مشاهده میشود. مقدار آماره  $r = -0/196$  و  $P = 0/049$  شده است.

جدول شماره ۲ نتایج آزمون فرضیه دوم

آماره	تکرار اعمال مجرمانه	متغیر وابسته	متغیر مستقل
		رعایت ارزش های اخلاقی	
ضریب همبستگی	-۰,۱۹۶		
سطح احتمال	۰,۰۴۹		
تعداد	۸۰		

با توجه به اینکه سطح احتمال کمتر از ۵ درصد است  $0/05 > P$  در نتیجه بین رعایت ارزش های اخلاقی و تکرار اعمال مجرمانه رابطه منفی وجود دارد. به نحوی که با رعایت ارزش های اخلاقی، احتمال تکرار اعمال مجرمانه کاهش می یابد. **فرضیه سوم** بین رعایت استانداردهای رفتاری بین المللی توسط پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان بزهکار را و تکرار اعمال مجرمانه آنان را بطه معنی دار وجود دارد.



جدول شماره ۳ نتایج آزمون فرضیه سوم

آماره	تکرار اعمال مجرمانه	متغیر وابسته	متغیر مستقل
		استانداردهای رفتاری بین المللی	
ضرب همبستگی	-۰,۱۰۹		
سطح احتمال	۰,۰۴۷		
تعداد	۸۰		

**فرضیه چهارم)** بین شناخت پلیس از ویژگی های کودکان و نوجوانان بزهکار با تکرار اعمال مجرمانه آنان رابطه معنی دار وجود دارد.

جدول شماره ۴ نتایج آزمون فرضیه چهارم

آماره	تکرار اعمال مجرمانه	متغیر وابسته	متغیر مستقل
		ویژگی های کودکان و نوجوانان	
ضرب همبستگی	-۰,۱۰۷		
سطح احتمال	۰,۰۴۶		
تعداد	۸۰		

**فرضیه پنجم)** بین رعایت ویژگی های فردی توسط پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان بزهکار را و تکرار اعمال مجرمانه آنان را بطه معنی دار وجود دارد.

جدول شماره ۵ نتایج آزمون فرضیه پنجم

آماره	تکرار اعمال مجرمانه	متغیر وابسته	متغیر مستقل
		ویژگی های فردی	
ضرب همبستگی	-۰,۱۵۶		
سطح احتمال	۰,۰۳۶		
تعداد	۸۰		

**فرضیه ششم)** بین سنجش طبقه اجتماعی توسط پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان بزهکار را و تکرار اعمال مجرمانه آنان را بطه معنی دار وجود دارد.

جدول شماره ۶ نتایج آزمون فرضیه ششم

آماره	تکرار اعمال مجرمانه	متغیر وابسته
		متغیر مستقل
ضریب همبستگی	-۰,۰۷۸	سنجش طبقه اجتماعی
سطح احتمال	۰,۰۴۲	
تعداد	۸۰	

همچنین جدول زیر سنجش تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته را نشان می دهد. نتایج در جداول زیر قابل مشاهده می باشند.

جدول شماره ۷ نتایج آماری همبستگی بین متغیرها

الگو	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	انحراف معیار برآورد	آماره واتسون
۱	/۳۷۱	/۵۱۱	/۵۰۸	۱/۰۱۴۷۱	۱/۸۹

براساس نتایج جدول مذکور، ضریب همبستگی چند گانه که با علامت R نشان داده شده است برابر با ۰/۳۷۱ می باشد. این ضریب شدت رابطه بین متغیر وابسته (تکرار اعمال مجرمانه) و متغیرهای مستقل را نشان می دهد. مقدار ضریب تعیین الگو نیز برابر ۰/۵۱۱ است. و نشان می دهد که ارتباط معنی داری بین متغیرهای وابسته و مستقل وجود داشته که این الگو توانسته آنرا نشان دهد. از سوی دیگر، ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۵۰۸ بدست آمده است. به عبارت دیگر ۵۰ درصد تغییرات متغیر وابسته بوسیله متغیرهای تاثیر گذار تبیین می شود. نتایج حاصل از برآورد الگوی پژوهش نشان می دهد:

تکرار اعمال مجرمانه = ۱۲,۲۳۴ - ۱۳۹ (هنجارهای شغلی). ۱۵۹ (ارزش های اخلاقی) ۸۹. (ویژگی های فردی) - ۱۶۹ (طبقه اجتماعی)

همچنین تحلیل روابط بین متغیرها از طریق تحلیل واریانس نیز صورت پذیرفته که نتایج آن در جدول شماره ۸ ذکر شده است.



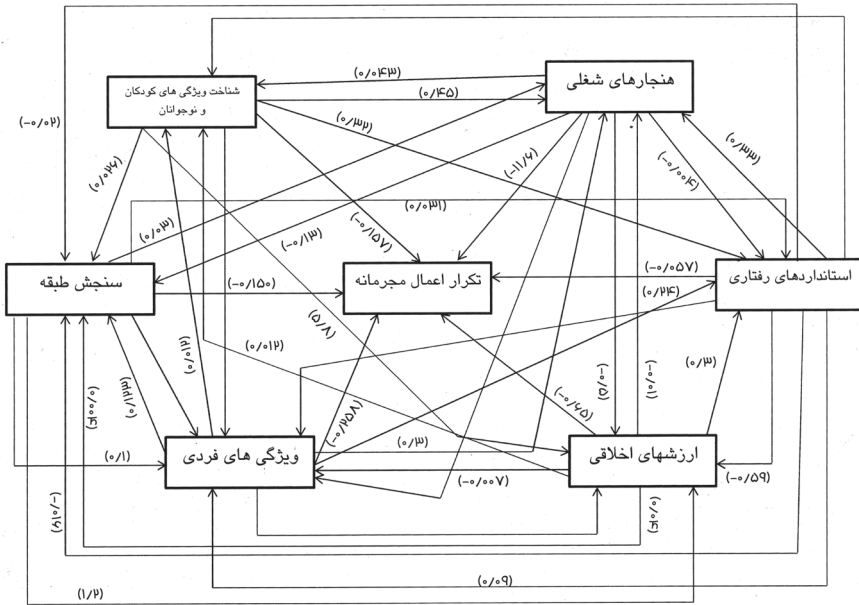


جدول شماره ۸ نتایج تحلیل واریانس

منبع تغییرات	مجموعه مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معنی داری
بین گروهی	۲۷,۵۷۲	۴	۶,۸۹۳	۴۱۲,۳	۰,۰۰۱
درون گروهی	۷۲,۶۲۴	۳۶	۲,۰۱۷۳۳۳		
کل	۱۰۰,۱۹۶	۴۰			

### نتیجه گیری و پیشنهاد

نتایج حاصل از نیکویی برآزش الگوی معرفی شده، از طریق برآورد رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر نشان می دهد که با توجه به ضریب تاثیر متغیر مستقل (ضریب Beta)، ضریب همبستگی رگرسیون چند گانه (R)، ضریب تعیین (R<sup>2</sup>)، آزمون معنی داری حضور متغیر مستقل در معادله (T)، و میزان معنی داری (Sig)، متغیرهای مستقل این پژوهش، تاثیر گذار بر تکرار اعمال مجرمانه کودکان و نوجوانان هستند. می توان، میزان تاثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر تکرار اعمال مجرمانه کودکان و نوجوانان با توجه به ضریب هر متغیر مستقل - ارزش Beta - مشخص کرد. با توجه به مقدار ضریب تعیین (R<sup>2</sup>)، می توان گفت ۶۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای موجود در مدل تبیین می گردد. از سوی دیگر نیاز داریم تا ارتباط بین متغیرها را هم در تحلیل خود وارد کردیم. نتایج یافته ها نشان داد "هنجارهای شغلی" به مقدار ۱۱,۶ درصد، "ارزشهای اخلاقی" به مقدار ۶,۵ درصد، "استانداردهای رفتاری" به مقدار ۵,۷ درصد، "شناخت ویژگی های کودکان" به مقدار ۱۵,۷ درصد، "ویژگی های فردی" به مقدار ۲۵,۸ درصد و در نهایت "سنجش طبقه اجتماعی" ۱۵ به مقدار درصد می توانند باعث کاهش در تکرار اعمال مجرمانه کودکان و نوجوانان بزهکار شوند. با توجه به ضرایب متغیرها بدیهی است که "ویژگی های فردی" و "استانداردهای رفتاری"، بترتیب، بیشترین تاثیر و کمترین تاثیر را بر متغیر وابسته "تکرار اعمال مجرمانه" دارند. از آنجا که معمولا، هم خطی به غلط به مفهوم رابطه رگرسیونی چند متغیر در نظر گرفته می شود، لذا برای نمایش نهایی و دقیق ارتباط بین متغیرها از تحلیل مسیر استفاده می کنیم. نتایج تحلیل مسیر، در مدل زیر مشاهده می شود.



دیاگرام تحلیل مسیر عوامل موثر بر تکرار اعمال مجرمانه کودکان و نوجوانان بزهدکار

$$R = 0,594$$

$$R^2 = 0,353$$

البته بررسی ارتباط بین متغیرها در دو گروه مجزا نشان داد که دیگر تمامی متغیرها اثر گذار نیستند. علت این موضوع می تواند به حجم نمونه ها نیز مربوط شود. همچنین می تواند به ما نشان دهد که ویژگی هایی افرادی در گروه های بزرگتر بعثت حس تشخیص، فریبکاری و ... با ویژگی های همان افراد در محیط های کوچک تر متفاوت است. اما، در گروه نتایج مشترکی وجود داشت. یعنی، "ویژگی های فردی" و "ارزشهای اخلاقی" بترتیب بیشترین و کمترین تاثیر را دارند. مقایسه دو گروه با یکدیگر و همچنین با نمونه کل (مجموع دو نمونه)، نشان می دهد که اولاً در تمام موارد آنچه که بسیار اهمیت دارد "ویژگی های فردی" کودکان و نوجوانان است که این ویژگی ها را در مرتبه اول از خانواده، و در مرتبه دوم از اجتماعی می گیرند که به علل مختلف یا در کنترل خانواده نیست و یا برای برخی خانواده ها کنترل محیط بیرون و جامعه برای سالم بودن کودکان اهمیت ندارد. اینجاست که مشاهده می شود سطح تحصیلات چقدر می تواند نقش پررنگی داشته باشد.

همانطوریکه در مباحث قبلی بیان شده رعایت اصول و ارزش های اخلاقی از ارکان اصلی پایداری و توسعه هر سازمانی می باشد و زمانی که این اصول و ارزش ها

در حرفه و تخصص آمیخته می‌گردد، ترکیبی ارزشمند به نام اخلاق حرفه‌ای را تشکیل می‌دهد و با توجه به پیچیدگی ابعاد جهان امروز یک اصل انکار ناپذیر در جهت توسعه و پیشرفت سازمان‌ها اعم از دولتی و خصوصی پایبندی به اجرای اصل اخلاق حرفه‌ای می‌باشد. سازمان پلیس نیز با توجه به گستردگی و پیچیدگی خاص خود چه از لحاظ کمی و کیفی از این اصل مستثنی نیست. سازمان نیروی انتظامی بایستی در جهت توسعه و پیشرفت و حفظ اقتدار و انسجام خود بر اساس نیازهای جامعه امروز پایبندی و رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای در کلیه واحدهای تخصصی و اجرایی را به عنوان یک ضرورت تقویت نماید. با توجه به مسائل ذکر شده ایجاد پلیس حرفه‌ای ویژه اطفال و نوجوانان که شرایط روحی، جسمی، روانی و خانوادگی اطفال و نوجوانان را درک نماید به عنوان یک خلاء توصیه می‌گردد.

## پیشنهادات

### الف- پژوهشی

۱. بررسی تشکیل پلیس کودکان و نوجوانان و تاثیر آن در اعمال مجرمانه اطفال و نوجوانان بزهکار
۲. بررسی چگونگی همکاری پلیس و مددکار اجتماعی و تاثیر آن در اعمال مجرمانه اطفال و نوجوانان بزهکار
۳. بررسی علمی رابطه حضور پلیس زن و تاثیر آن در تکرار اعمال مجرمانه اطفال و نوجوانان بزهکار
۴. بررسی موضوع چگونگی همکاری پلیس و روانشناس در کنترل تکرار اعمال مجرمانه اطفال و نوجوانان بزهکار
۵. بررسی حضور و کیل و مشاور حقوقی و تاثیر آن در تکرار اعمال مجرمانه اطفال و نوجوانان بزهکار

### ب- اجرایی

۱. تهیه قوانین مربوط به تشکیل پلیس حرفه‌ای خاص کودکان و نوجوانان و تصویب نمودن آن توسط قانون گذاران
۲. آموزش اخلاق حرفه‌ای خاص نیروهای پلیس کودکان و نوجوانان از طریق تاسیس رشته‌ای مستقل در دانشگاه پلیس و جذب و پرورش افسران علاقه مند و دلسوز به کودکان و نوجوانان
۳. استفاده از تجربیات سایر کشورهای پیشرو و موفق با دعوت از اساتید و

- اندیشمندان جهت آموزش و توسعه اخلاق حرفه
۴. حضور روانشناسان و همکاری با پلیس کودک و نوجوان در مراحل تحقیق
  ۵. حضور مددکاران اجتماعی در کنار افسران تحقیق پلیس کودک و نوجوان.
  ۶. تصویب قوانینی که در مراحل رسیدگی کیفری در مرکز پلیس، کودکان و نوجوانان بزهکار بتوانند از وکیل قانونی در جهت دفاع از حق و حقوق خود استفاده نمایند.
  ۷. شرایطی فراهم گردد که مقام قضایی ویژه کودک و نوجوان در مرکز پلیس کودک و نوجوان به طور دائم حاضر و با تعامل و همکاری بین پلیس و قاضی بهترین و عادلانه ترین تصمیم قضایی در خصوص صدور حکم قضایی کودک گرفته شود.
  ۸. رسیدگی به جرائم و بزهکاری کودکان و نوجوانان صرفاً توسط پلیس کودکان و نوجوانان انجام شود و از رسیدگی متفرقه در سایر قسمت های پلیس خودداری گردد.
  ۹. شرایط، محیط و فضای ساختمان مرکز پلیس کودکان و نوجوانان متناسب با شرایط سنی و خصوصیات روحی و روانی کودکان و نوجوانان آماده و ساخت فضاها با مشاوره افراد متخصص انجام گیرد.



## منابع

## الف- منابع فارسی

- اصفهانی، سید احسان. (۱۳۸۸)، نقش پلیس در پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان، تهران، انتشارات میزبان .
- اصفهانی، محمد مهدی. (۱۳۷۲)، اخلاق حرفه ای در خدمات بهداشتی و درمانی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- حیدریان، مریم. (۱۳۸۸)، مهارت های ارتباطی پلیس در مواجهه با کودکان و نوجوانان، مجموعه مقاله های برگزیده، به کوشش سید علی کاظمی و محمد بارانی، تهران، چاپ و انتشار حدیث کوثر.
- دانش، تاج زمان. (۱۳۷۸)، دادرسی اطفال بزهکار در حقوق تطبیقی، تهران، نشر میزان، نشر دادگستر.
- دانش، تاج زمان. (۱۳۷۴)، کودکان و جوانان بزهکار، تهران، انتشارات رسا .
- ژکس. (۱۳۵۵)، فلسفه اخلاق (حکمت عملی)، ترجمه ابوالقاسم پور حسینی، تهران، کتاب فروشی سیمرغ، انتشارات امیر کبیر.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۶۴)، فرهنگ علوم رفتاری، تهران، امیر کبیر.
- صادقی، محمد رضا. (۱۳۷۱)، پایه های اجتماعی اخلاق، بی جا، اشاره.
- - صانعی دره بیدی، منوچهر. (۱۳۶۸)، فلسفه اخلاق در تفکر غرب، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- عاملی، منیژه. (۱۳۸۸)، فصلنامه پژوهشی پژوهش نامه اخلاق، سال یکم، شماره ۴.
- عباچی، مریم. (۱۳۸۰)، حقوق کیفری کودکان، تهران، انتشارات مجد.
- فرامرز قراملکی، احد و نوچه فلاح، رستم. (۱۳۸۶)، موانع رشد اخلاق حرفه ای در سازمان ها، تهران، مؤسسه دین - پژوهی بشرا، چاپ اول.
- فرامرز قراملکی احد. (۱۳۸۷)، درآمدی بر اخلاق حرفه ای، تهران، انتشارات سرآمد، چاپ اول.
- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۸)، درآمدی بر اخلاق حرفه ای، تهران، موسسه مطالعات بهره وری و منابع انسانی، انتشارات سرآمد، چاپ دوم .
- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۲)، اخلاق حرفه ای، انتشارات نقش سبحان.
- کوراکیوس، ویلیام سی. (۱۳۶۷)، بزهکاری نوجوانان مساله ای برای دنیای مدرن، ترجمه جعفر نجفی زند، انتشارات سازمان علمی و فرهنگی یونسکو .
- نجفی توانا، علی. (۱۳۸۲)، نابهنجاری و بزهکاری کودکان و نوجوانان از دیدگاه جرم شناسی، تهران، انتشارات اداره تربیت .



● ون بورن، جرالدين. (۱۳۷۷)، ایران و معیارهای بین المللی داوری جوانان مجموعه سخنرانی های ارائه شده در کارگاه آموزشی دادرسی ویژه نوجوانان، صندوق کودکان سازمان ملل متحد.

● ویلسون، کلروپاول، مارتین. (۱۳۸۵)، راهنمای مصاحبه با کودکان، ترجمه سروش بهربر مهدی جاوید، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.

● هس مر، ال. تی. (۱۳۷۷)، اخلاق در مدیریت ترجمه سید محمد اعرابی و داود ایزدی، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.

ب- منابع انگلیسی

- Alexander, Jeffrey (2004), cultural etics: social performance Between - Ritual and Strategy, Sociological theory
- Becker, Lawrence (1998), Encyclopedia of Ethnics Associated charlotte
- BergnheneGovwen, G.j.(1996),professional Code and Ethics For training .Amsterdam ,journal European industrial Training
- Gevres & Garofaloc.(2002),practical Ethics in public Administration Management concept, Vienna.
- koehn, Dary. (2011), The Ground of professional Ethics, New York, Taylor & Francis
- Zdenek, Brad and schochor, Daniel.(2002),developing zdenek, scorcher Moral Literacy in the classroom USA, Journal of Educational.